

چرا پرسپولیس برای جانشینی کارنال
سراغ هاشمیان رفت

هلی کوپتر نجات؟

صفحه ۴



سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴ | ۱۲ محرم ۱۴۴۷ | ۸ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۸۲۴۵۸ | صفحه ۱۰۰۰۰ | نومان

تیتیر های امر وز



پدافند هوایی یمن با موشک‌های بومی
۱۰ جنگنده صهیونیست را فراری داد

سورپرایز انصارالله

تداوم عملیات نیروهای مسلح یمن در دریا

صفحه ۷

بررسی رسانه‌های صهیونیست درباره دلایل
جاسوسی ساکنان سرزمین اشغالی برای ایران

قوم فروشی

بررسی وضعیت آب و هوای کشور در گفت‌وگوی
«وطن امروز» با رئیس مرکز ملی پیش‌بینی وضع هوا

۲۰ استان در غبار

صفحه ۴

«وطن امروز» از تبعات حضور اتباع غیرمجاز
بر اشتغال و بازار کالاها در ایران گزارش می‌دهد

استقبال اقتصاد از اخراج اتباع ویژه

صفحه ۳

کسی در دولت متوجه نشد؟

نگاه

امیرعباس نوری

مصاحبه پزشکشان با تاکر کارلسون دیروز منتشر شد. ضعف مفرط رئیس‌جمهور در بیان و همین‌طور هزینه‌های سهو لسان او، این بار بیشتر از موارد گذشته می‌تواند برای کشور هزینه‌ساز شود. از همان نخستین نشست خبری آقای پزشکشان با اصحاب رسانه، ضعف بیان و ادبیات او واضح و آشکار شد. همان زمان به اطرافیان، نزدیکان و دفتر پزشکشان توصیه شد فکری برای این موضوع کنند یا نسبت به بهبود مواضع و ادبیات و اقدام و یا برنامه‌های مصاحبه و نشست‌های خبری او را تا جای ممکن محدود کنند. به هر حال مصاحبه با کارلسون نشان داد نه‌تنها فکری برای این نقیصه نشده، بلکه ظاهراً مشورت‌های اشتباه و مواضع اشتباه، به ادبیات نادرست نیز افزوده و ملمعه‌ای پرهزینه برای کشور ایجاد شده است. مصاحبه با تاکر کارلسون می‌توانست در میانه جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران، یک فرصت مهم برای اثر گذاری ایران بر افکار عمومی مردم آمریکا باشد. با توجه به مخاطبان میلیونی برنامه کارلسون، پزشکشان و مجموعه مشاورانش می‌توانستند از فرصت دوربین و بیشترین استفاده را برای تشریح واقعیات این جنگ برای مردم آمریکا ببرند. با این حال اما آقای رئیس‌جمهور و مجموعه مشاوران او نه‌تنها قدر این فرصت را ندانستند، بلکه به طرز عجیبی نسبت به بدیهیات مربوط به جنگ اخیر نیز دچار خطای تحلیلی شدند. به عنوان نمونه آقای پزشکشان در بخشی از این مصاحبه گفت

رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند منطقه را وارد صلح کند! این موضع‌گیری آن هم پس از طوطئه اخیر ترامپ و نتانیاهو علیه ایران، حقیقتاً تاسف‌آور است. حمله نظامی به ایران یک نقشه از پیش طراحی‌شده توسط ترامپ و نتانیاهو علیه ایران بود؛ نقشه‌ای که جان ۱۰۰۰ نفر از مردم ایران را گرفت. دولت آمریکا به صورت غیرقانونی به تاسیسات هسته‌ای ما حمله کرد و حاصل سال‌ها زحمات و خون دانشمندان ما را بمباران کرد. در چنین شرایطی رئیس‌جمهور ایران باید دولت آمریکا و شخص رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا را مواخذه کند، نه اینکه در کمال تعجب از صلح و اراده ترامپ برای آن سخن بگوید! این مواضع آقای رئیس‌جمهور مطلقاً سخنجیتی با آنچه طی ۳ هفته گذشته بر سر ایران آمد نداشت و همین‌طور نسبتی با واقعیات مربوط به جنگ و پس از جنگ نیز ندارد. نکته تاسف‌آور دیگر زمانی بود که تاکر کارلسون از پزشکشان درباره حکم مراجع عظام تقلید درباره ترامپ و نتانیاهو پرسید. پزشکشان در کمال حیرت از در انکار وارد شد و گفت این حکم ربطی به ترامپ ندارد! حقیقتاً آدم می‌ماند چه بگوید!

ادامه در صفحه ۸

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

۱۲۰ سال و ۳۶۹ روز گذشت |

بلوک قدرت‌های نوظهور با صدور بیانیه رسمی

حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان را صراحتاً محکوم کرد

حمایت بریکس از ایران



صفحه ۷

راز همبستگی ایرانیان

نخواهد بود، مگر اینکه ایران بخواهد موقعیت فرعی در منطقه را بپذیرد که هیچ سیاستمدار ایرانی‌ای در این دوران ملی‌گرایی ایرانیان نمی‌تواند آن را بپذیرد.» یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل این همبستگی ملی در میان ایرانیان به باور من، اعتباربخشی به روایت دشمنی رژیم صهیونی با مردم ایران بود. نویسنده بر آن است که جمهوری اسلامی سال‌ها بر این گزاره پافشاری کرد که اسرائیل دشمن ذاتی ایران است ولی برخی گروه‌های اجتماعی، تمایلی به پذیرش این واقعیت نداشتند اما حمله اخیر، تمام گروه‌های اجتماعی را به صدق این عدم تمایل را تشدید کرده است. اعتراضات سال ۱۴۰۱ شگاف‌های عمیق درون جنبش‌های اپوزیسیون ایران را نشان داد. پسر تبعیدی شاه هنوز شخصیتی مورد مناقشه است که جذابیتی پایینی در میان گروه‌های اجتماعی کلیدی دارد.» بخش دیگر استدلال من، رسیدن برخی ایرانیان داخل و خارج کشور به این نقطه‌نظر تحلیلی است که مشکل آمریکا و اسرائیل نه جمهوری اسلامی، بلکه وجود ایران قوی است. «برخی ایرانیان، هم در داخل و هم در خارج از کشور، بر این باورند قدرت‌های خارجی اساساً بنا یک ایران قوی صرف‌نظر از رهبری سیاسی آن مخالفند شیرین هانتر، دیپلمات پیشین ایرانی در دوران سلطنت پهلوی و استاد دانشگاه جرج تاون، به طرد و واگرایی ایران از ناتو و سر باز زدن اسرائیل از فروش سلاح‌های استراتژیک به ایران حتی در دوران محمدرضاشاه، به عنوان مدرکی از این بدبینی مداوم اشاره می‌کند. رهبران آینده ایران، مانند رهبران گذشته، بشدت آگاه خواهند بود که یک ایران قوی و قدرتمند هیچ‌گاه خوشامد واشنگتن و تل آویو کمک کرد.»

به هسته‌های شورش و آشوب در ۲ سناریوی استراتفور نقشی جدی داشت. این شورش چنانکه ردخای کیدار، افسر سابق سازمان جاسوسی مוסاد تصریح کرده است، به دلیل تنوع قومی بالا در ایران که در برخی خنجرآفیها در استان‌های مرزی سکونت دارند، با هدف القای اختلافات مذهبی و نژادی، قابلیت تحریک‌پذیری بالایی دارد. هدف‌گیری پلیس فتا، ساختمان اداری زنان لوین، پایگاه‌های بسیج و نهادهای مرتبط با وزارت اطلاعات نیز باهدف دمیدن در آتش نارضایتی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شد. همان دستورالعملی که ۳ تن از اعضای بنیاد دفاع از دموکراسی (اف‌دی‌دی) در پرونده «بحران ایران» در فارن افرز به آن اشاره کردند.

هر دوی این اضلاع یعنی اولاً ترور فرماندهان نظامی و تلاش برای انهدام توانایی نظامی ایران در شبه به‌تل آویو و ثانیاً فعال‌سازی مهره‌های تجزیه‌طلب نشان می‌داد دشمن اتفاقاً از همان نقطه قوت ایران یعنی امنیت که سالیان متمادی ایرانیان را از هر گزند و تعرضی مصون داشته بود، وارد شده است. در ضلع سوم، تحمیل از دانش فقه‌ای آغاز می‌شود که هم امکان اختلاف‌افکنی و دوگانه‌سازی سراسری میان ایرانیان محتمل است و هم پیش از این در ماجرای برجام آزمون شده است؛ یعنی مذاکرات هسته‌ای.

ادامه در صفحه ۶

هشداردهنده برای ملت ایران] عمل کرده‌اند محاسبه منطقی افکار عمومی با دخالتهای خارجی را تقویت می‌کند. در طول جنگ دوم جهانی، به‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای متفقین کشور را اشغال بی‌میلی شوری پس از پایان جنگ دوم جهانی برای عقب‌نشینی از شمال ایران و حمایت از جنبش‌های جدایی‌طلب نیز زخم‌هایی عمیق بر ذهنیت ملی باقی گذاشته است.» به باور نویسنده، بخش تاریخی دومی که بخوبی ذهنیت ایرانیان را در برابر مداخله خارجی حساس کرده است، دخالت آمریکا در سرنگونی دولت قانونی محمد مصدق و پس از انقلاب هم، احساسی از حمایت همه‌جانبه جهانی از کشور متجاوز به ایران، یعنی عراق بود: «کودتای ۱۹۵۲ علیه نخست‌وزیر مصدق که پهلوی دوم را دوباره به سلطنت برگرداند، همچنین وابستگی بسپار محسوس شاه به غرب، حساسیت ضداستعماری را در جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰ عمیق‌تر کرد، زمانی که بیشتر جهان از کشور متجاوز یعنی عراق، حمایت کرد. حتی در میان متفقان داخلی جمهوری اسلامی، آتلانث برای] تغییر نظام که توسط نیروهای خارجی حمایت‌شده، به عنوان نقض حاکمیت ملی در نظر گرفته می‌شود.»

به باور نویسنده، اشغالگری آمریکا در دوران پس از ۱۱ سپتامبر و دین سرنوشته ملت‌های منطقه مانند افغانستان و عراق، بر ذهنیت ایرانیان و البته تمام ملت‌های منطقه برای کمک خواستن از کشور خارجی اثر بسیار مهمی گذاشته است: «تجربیات پس از ۱۱ سپتامبر در عراق، لیبی و سوریه به عنوان داستان‌هایی

خطرات جمعی از مداخلات خارجی شکل گرفته است، مخالفت عمومی با دخالت‌های خارجی را تقویت می‌کند. در طول جنگ دوم جهانی، به‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای متفقین کشور را اشغال بی‌میلی شوری پس از پایان جنگ دوم جهانی برای عقب‌نشینی از شمال ایران و حمایت از جنبش‌های جدایی‌طلب نیز زخم‌هایی عمیق بر ذهنیت ملی باقی گذاشته است.» به باور نویسنده، بخش تاریخی دومی که بخوبی ذهنیت ایرانیان را در برابر مداخله خارجی حساس کرده است، دخالت آمریکا در سرنگونی دولت قانونی محمد مصدق و پس از انقلاب هم، احساسی از حمایت همه‌جانبه جهانی از کشور متجاوز به ایران، یعنی عراق بود: «کودتای ۱۹۵۲ علیه نخست‌وزیر مصدق که پهلوی دوم را دوباره به سلطنت برگرداند، همچنین وابستگی بسپار محسوس شاه به غرب، حساسیت ضداستعماری را در جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰ عمیق‌تر کرد، زمانی که بیشتر جهان از کشور متجاوز یعنی عراق، حمایت کرد. حتی در میان متفقان داخلی جمهوری اسلامی، آتلانث برای] تغییر نظام که توسط نیروهای خارجی حمایت‌شده، به عنوان نقض حاکمیت ملی در نظر گرفته می‌شود.»

به باور نویسنده، اشغالگری آمریکا در دوران پس از ۱۱ سپتامبر و دین سرنوشته ملت‌های منطقه مانند افغانستان و عراق، بر ذهنیت ایرانیان و البته تمام ملت‌های منطقه برای کمک خواستن از کشور خارجی اثر بسیار مهمی گذاشته است: «تجربیات پس از ۱۱ سپتامبر در عراق، لیبی و سوریه به عنوان داستان‌هایی

یادداشت
سیدامیر انتظاری‌فر

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، تلاش رسانه‌ها و صاحب‌نظران بین‌المللی برای درک چرایی همبستگی ملی ایرانیان و شکست نقشه‌ساده‌لوحانه «جنگ سپس براندازی» بود. متن‌های مهمی برای توضیح این ایده تولید شده‌اند که به شکست این روند اذعان دارند اما کمتر متنی تلاش کرده به این پرسش پاسخ دهد: چرا ایرانیان چنین رفتار منطقی و هوشمندانه‌ای داشتند؟ متنی در موسسه «استیمسون» منتشر شده و به این پرسش پاسخ داده که چرا ایرانیان در این جنگ، همبستگی نشان دادند و دشمن خارجی را یکپارچه نفی کردند؟ بررسی این متن نشان می‌دهد ایرانیان از نظر غربی‌ها، واجد چه هوشمندی‌هایی هستند.

متن موسسه استیمسون در نخستین نقطه، به این مساله اشاره می‌کند که خاطره جمعی ایرانیان در طول سده‌ها، بر اساس نفرت از مداخله خارجی شکل گرفته است و همین نفرت از دخالت خارجی، در مواقع بحران، حس همبستگی برای ایرانیان به امان می‌آورد. نخستین نقطه تاریخی‌ای که متن به آن اشاره می‌کند، اشغال کشور در جنگ دوم جهانی است: «با وجود فشار نظامی و بی‌ثباتی موقت ساختارهای دولتی ایران در طول جنگ ۱۲ روزه، حمایت عمومی از تغییر رژیم به وسیله عوامل خارجی محقق نشد. چندین مکانیزم جامعه‌شناختی این موضوع را توضیح می‌دهد. حس قوی هویت ملی ایرانیان که به طور عمیق تحت تأثیر

دیدگاه
محمد رستمپور

جفری ساکس، اقتصاددان برجسته آمریکایی و استاد دانشگاه کلمبیا در یک گفت‌وگوی تصویری گفته است: «آمریکا به اسرائیل اطمینان داد ظرف ۲۴ ساعت کار تمام است. سران ایران را می‌کشیم و دولت جدیدی جایگزین می‌شود. همه چیز طبق برنامه پیش خواهد رفت.» شگفتی و بهت ساعات اول و نوع حملات و انتشار رگباری اخبار ترور و شهادت فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای که شوک و ترس بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد و در ادامه هدف‌گیری فرودگاه‌های مهم کشور از جمله فرودگاه تبریز، واقعی شدن چیزی بود که بارها و بارها در تحلیل‌ها آمده بود: «حمله اسرائیل به ایران.» اندک‌اندک اهداف جنگ از انهدام برنامه هسته‌ای ایران فراتر رفت و ظهر روز دوم به تغییر نظام سیاسی ایران توسعه یافت. انتشار تصویر حلقه فرماندهان نظامی ایران در همان قالب و فرم تصویر حلقه فرماندهان حزب‌الله لبنان و هدف‌گیری نقاطی از تهران بر اساس اعلام قبلی نشان داد جمهوری اسلامی ایران با سخت‌ترین و پیچیده‌ترین چالش امنیتی - نظامی تاریخ خود روبه‌رو است. پرسش از فردا با پاسخ موشکی ایران به تل آویو کمتر از ۲۰ ساعت از آغاز حمله به ایران به یک ایهام چندلایه تبدیل شد.

بررسی تجلی مصادیق قیام عاشورا در فیلم‌های سینمایی ایران

سکانس‌های ایران عاشورایی



صفحه ۸

شهادت مظلومانه یاد کار عاشورا حضرت سیدالسادین امام زین‌العابدین علیه السلام را تسلیت می‌گویم

درباره بیانیه بریکس

و محکومیت حملات آمریکا و اسرائیل

ایران در نظم جدید جهانی

یادداشت روز

حسین مهدی‌تبار

نظم بین‌الملل دیگر تحت سلطه آمریکا نیست، این را می‌توان در بیانیه اخیر بریکس دید؛ بیانیه‌ای که حملات آمریکا و اسرائیل به ایران را محکوم کرد. این بیانیه که در جریان هفدهمین اجلاس سران بریکس در ریودوژانیروی برزیل منتشر شد، نه‌تنها یک موضع‌گیری سیاسی ساده نیست، بلکه نقطه عطفی در تحولات ژئوپلیتیک جهان و تقویت جایگاه ایران در نظم نوین جهانی محسوب می‌شود. این سند که حملات ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را نقض آشکار منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل دانسته، از منظرهای مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نظامی برای ایران و نظم بین‌الملل اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. برای ایران، این بیانیه به منزله یک پیروزی بزرگ دیپلماتیک و گامی در جهت تقویت اتحادهای استراتژیک و مشروعیت‌بخشی به برنامه‌های ملی است. در سطح جهان نیز این بیانیه نشانه‌ای از ظهور یک نظم چندقطبی است که در آن بلوک‌های غیرغربی مانند بریکس نقش تعیین‌کننده‌ای در برابر یک‌جانبه‌گرایی غرب ایفا می‌کنند. در این گزارش، با تمرکز بر اهمیت این بیانیه برای ایران و تأثیرات آن بر نظم بین‌الملل، استدلال می‌شود این اقدام بریکس یک تحول بزرگ و تعیین‌کننده است. برای ایران، این بیانیه در درجه اول یک دستورالود دیپلماتیک بی‌سابقه است. در شرایطی که تهران سال‌هاست با تحریم‌ها، فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی از سوی آمریکا و متحدانش مواجه است، حمایت گروهی از کشورهای بریکس که شامل قدرت‌های اقتصادی و سیاسی مانند چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و اعضای جدید مانند ایران، مصر و امارات می‌شود، به معنای توان دیپلماتیک ایران در صحنه جهانی است. این حمایت نشان‌دهنده آن است که ایران دیگر در برابر غرب تنها نیست، بلکه بخشی از یک ائتلاف قدرتمند جهانی است که توانایی به چالش کشیدن هژمونی آمریکا را دارد. این موضوع برای ایران که از زمان انقلاب اسلامی ۵۷ با تلاش‌های غرب برای منزوی کردنش مواجه بوده، یک تحول تاریخی است. بیانیه بریکس، با محکوم کردن حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کنند، به مشروعیت‌بخشی به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران کمک کرد. این امر بویژه در مذاکرات احتمالی آینده، به ایران اهرم دیپلماتیک قوی‌تری می‌دهد. تهران اکنون می‌تواند با پشتوانه حمایت بریکس، در برابر ادعاهای آمریکا و اسرائیل مبنی بر تهدیدآمیز بودن برنامه هسته‌ای‌اش، استدلال محکم‌تری ارائه کند. علاوه بر این، بیانیه بریکس به ایران امکان می‌دهد جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی در ائتلاف چندجنبه‌ای تثبیت کند. ایران از سال ۲۰۲۴ به عنوان عضو کامل به بریکس پیوسته و این بیانیه نشان‌دهنده پذیرش تهران به عنوان شریکی استراتژیک در این گروه است. این موضوع نه‌تنها به تقویت روابط دوجانبه ایران با اعضای بریکس، بویژه چین و روسیه کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای همکاری‌های عمیق‌تر در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی فراهم می‌کند. برای مثال، چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران و یکی از اعضای کلیدی بریکس می‌تواند از این بیانیه به عنوان مبنایی برای افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی ایران، مانند طرح‌های مرتبط با «بیکار کمربند و جاده» استفاده کند. به همین ترتیب، روسیه که خود با تحریم‌های غرب مواجه است، می‌تواند همکاری‌های دفاعی و فناوری خود باایران را گسترش دهد. این شرکات‌های استراتژیک برای ایران که تحت فشار اقتصادی شدید قرار دارد، حیاتی است و بیانیه بریکس به عنوان کاتالیزوری برای این همکاری‌ها عمل می‌کند. از منظر اقتصادی نیز حمایت بریکس از ایران اهمیت دارد. بریکس به عنوان یک بلوک اقتصادی که بیش از ۳۰ درصد جمعیت جهان و بخش قابل توجهی از تولید ناخالصی جهانی را نمایندگی می‌کند، بستری برای ایجاد مکانیسم‌های مالی و تجاری مستقل از نظام مالی تحت سلطه غرب فراهم کرده است. بیانیه اخیر نشان‌دهنده تعهد این گروه به حمایت از اعضای خود در برابر اقدامات یک‌جانبه‌گرایی است که می‌تواند به ایران در دسترسی به بازارهای جدید، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه تجارت با کشورهای غیرغربی کمک کند. برای مثال ایران می‌تواند از طریق همکاری با بریکس به سیستم‌های پرداخت جایگزین مانند سیستم‌های مبتنی بر ارزهای ملی که چین و روسیه در حال توسعه آن هستند، دسترسی پیدا کند. این موضوع برای کشوری که به دلیل تحریم‌ها از سیستم سوئیفت کنار گذاشته شده، یک فرصت حیاتی است. همچنین حمایت بریکس می‌تواند به ایران در جذب سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، بویژه در حوزه نفت و گاز، کمک کند که برای اقتصاد وابسته به انرژی ایران اهمیت بسزایی دارد. از منظر نظامی و امنیتی، بیانیه بریکس پیام روشنی به اسرائیل و آمریکا ارسال می‌کند.

ادامه در صفحه ۸